کارشناس مسیحی جهان عرب در گفت‌وگو با کیهان:

تاریخ از نقش بزرگ ایران در سوریه به نیکی یاد خواهد کرد

مصاحبه: محمدرضا مرادی
مترجم: مهرداد آزاد

ایران و مصر پس از انقلاب اسلامی در سال ۵۷ و به دنبال پیمان کمپ‌دیوید (بین مصر و اسرائیل) روابط خود را قطع کردند و با وجود گذشت بیش از ۳ دهه هنوز دو کشور روابط خود را از سر نگرفته‌اند. با سقوط حسنی مبارک و به قدرت رسیدن محمد مرسی امید به بهبود در روابط بین دو کشور بیشتر شد اما رفتارهای خام محمد مرسی به ویژه در اجلاس عدم تعهد در تهران مانع از به ثمر رسیدن تلاش‌ها در این مورد شد و سرانجام کودتای ۲۰۱۳ علیه مرسی و به قدرت رسیدن السیسی امیدها در این مورد را از بین برد.

این در حالی است که دو کشور ایران و مصر در صورت برقراری روابط می‌توانند همکاری‌های زیادی به ویژه در مورد صلح منطقه‌ای داشته باشند. نخبگان مصری در مورد لزوم ارتباط با ایران تاکنون پیشنهادات زیادی به روسای جمهور مصر داده‌اند.

«جرجیس بشری صادق عیاد» یکی از فعالان سیاسی مصری است که اخیرا در نامه‌ای خطاب به السیسی بر لزوم رابطه با ایران تاکید کرده است. وی موسس جنبش «مبارزه با تجزیه مصر» و از فعالان رسانه‌ای جهان عرب است. جرجیس بشری اولین مصری است که در مطبوعات به مقابله و محکومیت جنایت سوزاندن قرآن کریم توسط کشیش افراطی آمریکایی (تری جونز) پرداخت و نخستین مصری مسیحی است که خواستار تشکیل کمیته‌ای بین‌المللی برای متوقف کردن کشتار مسلمانان میانمار شد. این نویسنده مسیحی به حمایت از مسئله فلسطین و ارتش ملی سوریه در جهان عرب مشهور است. برای بررسی نامه اخیر وی به السیسی و همچنین ابعاد مختلف برقراری روابط ایران و مصر کیهان با وی گفت‌وگویی انجام داده که در ادامه می آید.

گفتنی است این کارشناس مصری در برخی حوزه‌ها مواضعی اتخاذ کرده که لزوما مورد تأیید کیهان نیست اما به منظور رعایت امانت، عین آن مواضع را آورده‌ایم.

سرویس خارجی کیهان

*** ایران و مصر پس از انقلاب اسلامی روابط خود را با یکدیگر قطع کرده‌اند. به نظر شما مهم‌ترین دلیل برای تداوم این قطع روابط چیست؟**

به نظر من قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تمایل دارند این قطع رابطه میان مصر و جمهوری اسلامی همچنان ادامه یابد که از مهم‌ترین این کشورها، عربستان است.

این کشور به انگیزه‌هایی که از نظر خاندان آل سعود دینی است، مایل است این قطع رابطه همیشگی و دائمی باشد، چون از نفوذ شیعه در مصر بیمناکند، اما من شخصا هرگونه نفوذ شیعی در مصر و هرگونه استفاده ابزاری از دین را مردود می‌دانم. همچنین عربستان از نزدیکی روابط دو کشور مصر و ایران واهمه دارد تا مبادا ایران زیر پای عربستان را خالی کند.

به نظر من وهابی‌ها کمک‌های فراوانی می‌کنند تا نگرانی افراد ساده‌اندیش مصری را از نفوذ به اصطلاح شیعه در مصر افزایش دهند. در ضمن جهت اطلاع باید گفت روابط مصر و ایران کاملا قطع نیست و دفتر حافظ منافع ایران در مصر مشغول به کار است. از طرف دیگر گفتمان دینی مخالف با هرگونه نزدیکی مذهبی دو کشور در تداوم این قطع رابطه نقش داشته است. همین امر گفتمان رسانه‌ای را بر آن داشته تا بازتاب‌دهنده تصویر گفتمان دینی رایج و گاهی تندرو باشد، چنین گفتمانی به تلاش‌های انسانی در وهله نخست و سپس آگاهی‌بخشی دینی صحیح نیازمند است تا با تاکید بر عامل شراکت در انسانیت و دوری از خشونت، روش تسامح و دعوت به تقریب بین مذاهب اسلام را جایگزین کند. اگر مسلمانان چه شیعه و چه سنی به سخن امام علی علیه‌السلام (که پیامبر(ص)) در شأن او فرمود: (انا مدینةُالعلم و علی بابها) مبنی بر اینکه انسان‌ها یا برادر تو در دین هستند یا شبیه تو در خلقت و انسانیت، عمل می‌کردند، وضعیت امت اسلامی سامان می‌یافت، در حالی که هم‌اکنون عده‌ای از آنها عده‌ای دیگر را به نام دین به گونه‌ای وحشتناک و سؤال‌برانگیز از بین می‌برند، حال آنکه دین از تمام این جنایات بیزار است.

*** کشورهای دیگر از جمله آمریکا چه میزان در این قطع روابط نقش دارند و چه منافعی از این وضعیت دارند؟**

مطمئنا ایالات متحده آمریکا عدم نزدیکی میان مصر و ایران را جزو منافع خود برمی‌شمارد به ویژه آنکه مصر یک کشور محوری و تاریخی بزرگ با ارتشی ملی و قوی است و از طرفی ایران هم کشوری بزرگ و تاثیرگذار در منطقه به شمار می‌رود و هرگونه نزدیکی میان دو کشور از دیدگاه آمریکا به مثابه خطر بزرگی برای امنیت رژیم اشغالگر موسوم به «اسرائیل» و آینده و موجودیت آن و برای آینده توسعه‌طلبی‌های صهیونیست‌ها در ساخت شهرک‌ها و جنایات روزانه این رژیم در اطراف مسجدالاقصی محسوب می‌شود. همچنین تداوم قطع رابطه دو کشور به نفع ایالات متحده است چون از هرگونه همکاری اقتصادی و علمی و نظامی و تسلیحاتی میان مصر و ایران هراس دارد و لذا با طراحی جنگ‌های مذهبی در منطقه و ایجاد جنگ‌ها به نام دین (که دین از آن بیزار است) سعی می‌کند تلاش‌های مربوط به عادی‌سازی روابط مصر و ایران را با شکست مواجه کند و اگر همه کشورها از جمله ایران و عربستان به میزان مخاطرات این جنگ مذهبی توجه نکنند، کل منطقه دچار آتش خواهد شد. به گمان من مصر، اقدامات مهمی در زمینه توسعه گفتمان دینی و تقریب بین مذاهب انجام داده است و اخیرا جناب دکتر احمد الطیب رئیس الازهر در سخنانی در جاکارتا پایتخت اندونزی اظهار داشت: سنی و شیعه دو بال امت اسلامی هستند. وی همچنین در کنار یکی از مراجع تقلید شیعه نماز خواند.

*** شما اخیرا در نامه‌ای خطاب به السیسی بر ضرورت ارتباط با ایران تاکید کردید. دلیل این تاکید شما چیست؟**

بله، مقاله‌ای را در سایت «صدی البلد» با عنوان «نامه‌ای به السیسی: ایران به برقراری صلح گرم با مصر سزاوارتر است» منتشر کردم و از پرزیدنت عبدالفتاح السیسی خواستم به طور جدی در برقراری رابطه دیپلماتیک میان مصر و ایران به‌گونه‌ای که به نفع دو کشور باشد و با امنیت ملی کشور در تعارض نباشد، تجدیدنظر کند. من در این مقاله تاکید کردم که کشور بزرگی در اندازه مصر، باید روابط برابر با تمام کشورها از جمله ایران داشته باشد به ویژه آنکه بازگشت روابط بین ایران و مصر به نفع مسائل و موضوعات استراتژیک خاورمیانه از جمله مسائل فلسطین و بازگشت صلح به سوریه و بحران‌های پیش آمده برای کشور برادر عراق که هر روز تاوان سنگین حضور سازمان تروریستی داعش را می‌پردازد. حتی من از ایشان خواستم دست به یک اقدام تاریخی بزند که در صورت انجام آن، در تاریخ ماندگار خواهد شد و آن ایجاد مصالحه میان ایران و عربستان برای خنثی کردن نقشه‌های تجزیه‌طلبانه دشمن صهیونیستی و دولت آمریکا در جهت تجزیه کشورهای عربی براساس گرایش‌های مذهبی و دینی و نژادی و طائفه‌ای است.

*** برقراری روابط ایران و مصر چه منافعی می‌تواند برای دو کشور و همچنین جهان اسلام داشته باشد؟**

امروزه بیشتر جوامع و کشورهای اسلامی با مشکلات عدیده و چالش‌های فراوانی دست به گریبان، و آبستن حوادث جدیدی هستند. در این میان آنچه بیشتر جلب توجه می‌کند مشابهت مسائل وشرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی اغلب کشورهای اسلامی است. بین کشورهای اسلامی دو کشور مسلمان بحرین و جمهوری آذربایجان از جنبه‌های مختلف شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند و احتمالا سرنوشت سیاسی یکسانی نیز در آینده در انتظار آنها خواهد بود. این دو کشور از چند نظر شبیه هم هستند.

به لحاظ ترکیب و ویژگی‌های مذهبی اگر دقت کنیم متوجه می‌شویم شباهت‌های زیادی میان جامعه آذربایجان و بحرین وجود دارد. اکثریت جمعیت هر دو آن‌ها را شیعیان تشکیل می‌دهند. اکثریتی که با سرکوب شدید، سلب آزادی‌های اساسی اولیه، تبعیض، محدویت و ممنوعیت در فعالیت‌های مذهبی، اجتماعی و سیاسی شدید روبه‌رو هستند و حقوق انسانی و شهروندی آنها به صورت روزانه و مستمر از سوی حاکمان پایمال می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان به بدرفتاری، دستگیری، شکنجه، برگزاری دادگاه‌های نمایشی و مقابله حکومت‌های بحرین و جمهوری آذربایجان با دینداران، علما و روحانیون منتقد شیعه [که بیشتر درخواست‌ها و مطالبات خود را از طریق شیوه‌های آرام و مسالمت‌آمیز دنبال کرده و می‌کنند] اشاره کرد، که در سال‌های اخیر همواره بر ابعاد و دامنه آنها افزوده شده است.

از جنبه ساختار سیاسی و نوع نظام سیاسی نیز شباهت‌هایی میان دو کشور بحرین و جمهوری آذربایجان به چشم می‌خورد.در واقع، در این کشورها حکومت‌ها تقریبا موروثی و خانوادگی هستند و حاکمان به معنای واقعی کلمه با خودکامگی و تمامیت خواهی بر تمام مقدرات و امورکشور حاکم شده و قدرت سیاسی را به طور کامل در اختیار دارند. اقدام غیردموکراتیک اخیر حکومت آذربایجان در برگزاری همه‌پرسی تغییر و اصلاح قانون اساسی کشور به روشنی آشکار کرد که قانون اساسی این کشور در حد یک قانون اساسی خانوادگی تنزل پیدا کرده است. بی‌تردید در آینده نزدیک با آگاهی بیشتر و روشنگری نخبگان آذری، چنین قانون اساسی زمینه‌های اعتراضات عمومی و نارضایتی‌های بیشتر را فراهم خواهد کرد و بر مشکلات حاکمیت خواهد افزود. اعتراضات عمومی اخیر فعالان و رهبران احزاب اسلامی و سایر مخالفان دولت در واقع بخش کوچکی از نارضایتی‌ها را به نمایش گذاشت و بی تردید در آینده شاهد اقدامات و مخالفت‌های بیشتری از سوی آن‌ها خواهیم بود.

سومین تشابه حکومت‌های بحرین و جمهوری آذربایجان در نوع برخورد آن‌ها با اکثریت مردم و حقوق حقه و مشروع آنها می‌باشد. همان‌گونه که رژیم آل‌خلیفه با توسل به قوه قهریه و با کمک رژیم عربستان سعودی در حال سرکوب شدید شیعیان بحرین است، حکومت آذربایجان نیز در سال‌های اخیر با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای نظامی و امنیتی و نادیده گرفتن حقوق اکثریت مردم که به دنبال بازیابی هویت دینی خود هستند، سیاست ارعاب و سرکوب شدید شیعیان را در پیش گرفته است. آنچه مسلم است استفاده از شیوه‌های خشن و سرکوب‌گرایانه نمی‌تواند در بلندمدت موفقیت‌آمیز باشد و برای سرکوب دینداران و استفاده از ابزارهای سرکوب، به روشنی ناکارآمدی خود را در بحرین نیز به نمایش گذاشته است و هم‌اکنون حاکمان این کشور به مراتب با مشکلات و چالش‌های بیشتری روبه‌رو هستند و به طور بی‌سابقه‌ای با بحران مشروعیت و اعتراضات عمومی و گسترده دست و پنجه نرم می‌کنند.

در مقایسه با جمهوری آذربایجان باید گفت شرایط در بحرین به مرزهای یک بحران واقعی بسیار نزدیک شده و رژیم آل خلیفه با یک قیام مردمی بر ضد حاکمیت خودکامه خود مواجه شده است. در این میان نکته مهمی که باید به آن توجه شود، افزایش سیر صعودی اقدامات ضد دینی و صدور فرمان‌های دولتی از سوی مقامات دولت آذربایجان برای اعمال ممنوعیت‌ها و محدویت‌های بیشتر در زمینه فعالیت دینداران و برگزاری مراسم‌های دینی به ویژه در ایام محرم امسال و در کنار آن هویت مذهبی مردم آذربایجان [اعلام آمادگی یکی از رهبران اسلامی محبوس در زندان برای شهادت نمونه خوبی برای شکست سیاست ارعاب و سرکوب است] آنچنان که بهره‌گیری از شیوه‌های خشن

شدت سرکوب شیعیان در آذربایجان این کشور را به بحرینی دیگر تبدیل کرده است.

اکثریت مردم آذربایجان و بحرین شیعه هستند اما مورد ظلم و ستم قرار دارند.

***

شرایط در بحرین به مرزهای یک بحران واقعی بسیار نزدیک است.

آذربایجان بحرینی دیگر

صمد حسن‌زاده

برقراری روابط ایران و مصر به سود موضوعات استراتژیک منطقه از جمله فلسطین و سوریه است.

این دو موضع متناقض نیست. باید توجه داشت که اگر سوریه با حمایت‌های آمریکا، اسرائیل، عربستان، ترکیه و قطر در آستانه سقوط و تجزیه قرار گرفته بود و کسانی که نمی‌دانند، بدانند که بر طبق نقشه صهیونیست‌ها برای تجزیه جهان عرب، اگر سوریه سقوط کند سایر کشورهای عربی نیز با آن سقوط خواهند کرد. اما مصری‌ها این نقشه را خنثی کردند و این طرح جهنمی را در نطفه خفه کردند به ویژه آنکه رئیس‌جمهور ساقط شده، محمد مرسی دعوت به جهاد در سوریه می‌کرد و برخی از رهبران اخوان‌المسلمین درباره اعزام مجاهدین به سوریه در چارچوب ارتش آزاد سوری سخن می‌گفتند و اگر حکومت مرسی تداوم می‌یافت، سرنوشت سوریه بزرگ در معرض تهدید بود. بنابراین انقلاب مصر طرح جهنمی تجزیه منطقه در مصر و سوریه و عراق را در نطفه خفه کرد همچنین موضع مصر در قبال سوریه موضعی حکیمانه و شرافتمندانه است و رئیس جمهور السیسی خواستار حل بحران سوریه از طریق گفت‌وگو و راه‌های دیپلماتیک و نه جنگ است زیرا جنگ حاصلی جز ویرانی و خدمت به نقشه‌های دشمنانمان ندارد. اما در خصوص روابط مصر با عربستان باید گفت این روابط مستحکم است و این حق هر حکومتی است که روابط برابر با تمام کشورها بدون استثنا داشته باشد مشروط بر اینکه مبتنی بر سودمندی و نه وابستگی باشد و نمی‌توان بر مصر ایراد گرفت چون این کشور روابط قوی با هر دولتی اعم از عربستان و غیر آن دارد. موضع متناقض مربوط به موضع مصر نیست بلکه به موضع عربستان برمی‌گردد که از گروه‌های مسلح و ارتش آزاد سوریه حمایت می‌کرد و در عین حال به سمت مصر گرایش پیدا کرد تا از آسیب در امان بماند.

*** برقراری رابطه مصر با ایران چگونه می‌تواند به نفع منافع مصر باشد؟**

این روابط تنها به نفع مصر نیست بلکه به نفع ایران هم هست. هر دو کشور از برقراری مجدد روابط سود خواهند برد (که در این باره در پاسخ یکی از سؤالات پیشین توضیح دادم)

*** شما جایگاه ایران را در مسائل منطقه‌ای چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

ایران نقش بزرگی در حمایت از دولت سوریه و یکپارچگی آن ایفا کرد و با تمام قدرت و با همه امکانات موجود خود و ساز و کارهای سیاسی و دیپلماتیک و رسانه‌ای به حمایت از ارتش سوریه - که همه قدرت‌ها برای شکست و اضمحلال آن بسیج شده بودند- اقدام کرد و تاریخ این موضع افتخارآمیز را به نیکی یاد خواهد کرد.

همچنین موضع ایران در قبال مسئله فلسطین و حمایت از مقاومت در برابر رژیم اشغالگر اسرائیل موضعی مهم و استراتژیک است و اگر چنین موضع‌گیری نبود مسئله فلسطین در مسیر ناخوشایند دیگری قرار می‌گرفت. همچنین موضع ایران در یمن و تلاش برای اتحاد و همبستگی آن، مهم است و باید ادامه یابد.

*** ایران در زمینه مبارزه با تروریسم در عراق، سوریه، لبنان و... همواره به عنوان پرچمدار مطرح بوده است. اما دشمنان ایران برای زیر سؤال بردن این فعالیت ایران، ایران را متهم به حمایت از تروریسم کرده‌اند. نظر شما در این مورد چیست؟**

نقش ایران در حفظ یکپارچگی سوریه، عراق و لبنان نقشی مثبت است به ویژه آنکه در جهت محافظت از یکپارچگی و وحدت این کشورها و ارتش‌های ملی آنها در برابر فرقه‌گرایی که خطرناک‌ترین تهدید کشورهای عربی است تلاش می‌کند و به دور از عقل و منطق است که ایران متهم به حمایت از تروریسم شود در حالی که خود از مقاومت بر ضد رژیم اشغالگر و ستمگر اسرائیل حمایت می‌کند یا با ارتش‌های آزاد که درصدد نابودی ارتش‌های ملی هستند می‌جنگد. تروریست‌ها کسانی هستند که از نابود شدن ارتش‌های ملی حمایت می‌کنند و به پشتیبانی از تکفیری‌ها و داعش می‌پردازند.

*** آیا می‌توان این سیاست‌ها را در راستای ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در منطقه تعریف کرد؟**

بله آمریکا و اسرائیل ایران و شیعه را در نزد افکار عمومی عربی به عنوان خطری بزرگ جلوه داده‌اند و عربستان به دست خود در این توطئه افتاده و وارد باتلاق جنگ و چالش مذهبی شده است که ممکن است این کشور را تا لبه پرتگاه و ورشکستگی و حتی محاکمه خاندان حاکم در این کشور ببرد. ما امیدواریم که عربستان بیدار شود و به میزان خطر این دام پی ببرد و پیش از آنکه فرصت از دست برود به ندای عقل و منطق پاسخ مثبت دهد. همچنین از ایران می‌خواهیم که همیشه بر این نکته تاکید کند که این کشور نه با اهل سنت بلکه با تروریسم مبارزه می‌کند و این کشور با همراهی عربستان به مصالحه تاریخی دست بزند تا بزرگ‌ترین نقشه جهنمی تاریخ بشریت را که همان شعله‌ور شدن جنگ طائفه‌ای و فرقه‌ای است خنثی کنند. این نقشه به سود دشمن صهیونیستی خواهد بود و خونریزی و ویرانی برای بشریت را به دنبال خواهد داشت.

حکمت و بزرگ‌منشی اسلام ایجاب می‌کند که میان دو کشور مصالحه‌ای تاریخی برقرار شود تا جلوی خونریزی گرفته شده و نقشه‌های تجزیه منطقه نقش بر آب گردد و هر دو کشور بر ضد رژیم صهیونیستی برای ایجاد دولتی فلسطینی به پایتختی قدس متحد شوند.

*** مردم ایران نسبت به مردم مصر نوعی احساس تعلق دارند. این امر به دلیل سابقه تمدنی درخشان دو کشور است. به نظر شما چه زمانی می‌توان شاهد نزدیکی دو کشور ایران و مصر به یکدیگر بود؟**

بله، رابطه میان دو کشور، رابطه‌ای تاریخی و کهن است و باید به وضعیت پیشین بازگردد و رهبران ایران و مرجعیت‌های بزرگ با صدور بیانیه‌های حکومتی به جهان عرب تاکید کنند که ایران به دنبال گسترش مذهب شیعی در منطقه نیست و من می‌دانم که ایران بنابر فتوای رسمی از گسترش نفوذ شیعه در سایر کشورها جلوگیری می‌کند اما بسیاری از مردم این حقایق را نمی‌دانند. همچنین باید برای افکار عمومی گفته شود که ایران از ناسزاگویی به اهل سنت و اهانت به صحابه حمایت نمی‌کند آنگونه که برخی گمراهان تبلیغ می‌کنند. و من شخصا مخالف هرگونه ناسزاگویی به بزرگان اسلام اعم از صحابه و همسران پیامبر و نیز تحقیر و اهانت به سنی و شیعه هستم. باید گفتمانی ایرانی رسمی و رسانه‌ای و دینی وجود داشته باشد که به طور مداوم این مسئله را بازگو کند تا هرگونه شبهه و ابهام برطرف شود و پاسخ شایعات و تلاش‌ها برای شیطنت‌آمیز جلوه دادن ایران داده شود.

جهت اطلاع عرض می‌کنم که اغلب مصری‌ها مخالف تعصب و افراطی‌گری و فرقه‌گرایی هستند و اهل‌بیت را دوست می‌دارند.

*** ایران در میان مردم مصر چه جایگاهی دارد؟ دیدگاه مصری‌ها نسبت به برقراری رابطه با ایران چیست؟**

مردم مصر بنا به طبیعتشان مردمی دوستدار و عاشق هستند و همه را دوست می‌دارند.

مصری‌ها از جمله ملت‌های بزرگی هستند که تاریخ را ساخته‌اند. بسیاری از مردم، مخالف برقراری روابط با ایران نیستند، چون ایران را کشوری اسلامی می‌دانند اما بخشی از مردم با تاثیرپذیری از تبلیغات تحریک‌آمیز رسانه‌ای و گفتمان دینی مغرضانه برخی‌ها، ایران را تکفیر می‌کنند و آن را دشمن خود می‌دانند و کسانی که درصدد تخریب وجهه ایران و مردم آن هستند با حمایت‌های وهابی‌ها و صهیونیست‌ها دست به چنین کارهایی می‌زنند لذا تجدید رابطه به شیوه صحیح باید از هم‌اکنون به طور جدی و با استفاده از شبکه رسانه‌ای و سیاسی و گفتمان دینی شروع شود تا پاسخ تمام کسانی که در جهت تخریب وجهه ایران می‌کوشند داده شود.

*** در سه دهه گذشته ایران روابط خود را با آمریکا قطع کرده و از پیروی و دنباله‌روی غرب دست برداشته است. این در حالی است که در این مدت مصر دنباله رو غرب بوده است. به نظر شما سیاست کدام یک از این دو کشور موفق بوده است؟**

مصر به عنوان یک کشور، هیچ‌گاه وابسته به کسی نبوده ولی برخی از سیاستمداران و حاکمان در تعاملشان با برخی کشورها مانند ایالات متحده و غیر آن دچار اشتباهاتی شدند. اما مردم مصر با دو انقلاب عظیم خود، این حاکمان و سیاستمداران را از اریکه قدرت ساقط کردند تا همچنان خودشان بنا به عادت همیشگی‌شان به طور برابر و آزاد درباره سرنوشت خود تصمیم بگیرند.

اگر حکومت مصر وابسته به حکومت و کشور دیگری بود، هیچ‌گاه رهبران کشورهای بزرگ و سیاستمداران بزرگ دنیا به سوی آن خیز برنمی‌داشتند و آن را مرکز ثبات و نقطه ثقل منطقه و تمام جهان قلمداد نمی‌کردند کشور مصر همیشه آزاد بوده و با همه کشورها به خوبی تعامل داشته است اما در خصوص ایران باید گفت این کشور در دهه‌های گذشته توانسته به یکی از کشورهای محوری و تاثیرگذار در منطقه تبدیل شود و دولت آمریکا یا اسرائیل با کشورهای دیگر نتوانسته‌اند شروط یا خواسته‌های خود را بر آن تحمیل کنند بلکه این کشور با سیاستمداران خود، آمریکا را وادار کرده وارد گفت‌وگو با آن شود. بدون شک ایران کشوری تاریخی و تاثیرگذار و محوری در منطقه است.

*** شیعیان چه جایگاهی در مصر دارند و دیدگاه مردم مصر نسبت به آنها چگونه است؟**

مصری‌های شیعه، شهروندان مصری و همگی تا مغز استخوان میهن‌پرست هستند. آنان در کنار مصر ایستادند و از ارتش و پلیس و انقلاب این کشور حمایت کردند و گروهی از آنان در جنگ با رژیم اشغالگر اسرائیل شهید شدند. آنان جایگاه بزرگی در دلهای مصری‌ها دارند و به اعتدال و تسامح و میانه‌روی مشهور هستند.

*** به عنوان سؤال پایانی، شما برخورد دولت مصر را با شیعیان این کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

شیعیان مصر اکنون در صلح و امنیت زندگی می‌کنند و جشن‌ها و آئین‌های مذهبی خود را در مناسبت‌های ولادت یا شهادت اولیاء در کمال سلامتی و امنیت و حمایت امنیتی برگزار می‌نمایند، اما ما خواهان حقوق مشروع بیشتری برای مصری‌های شیعه در وطن خودشان از قبیل امنیت و انتصاب در پست‌های دولتی و انجام مناسک و شعائر دینی هستیم چون حق عبادت و برپائی مراسم مذهبی برای هر انسانی تا زمانی که مراسم و اعمال عبادی خود را در صلح و عدم تحریم یا اهانت به اعتقادات و مذاهب دیگران انجام می‌شود، محفوظ است.

اکثریت قاطع مردم مصر، مخالف عادی‌سازی روابط با اسرائیل هستند.

نمی‌توان یک دیدگاه سیاسی را که عده‌ای آن را درست و عده‌ای غلط می‌دانند به همه مردم مصر تعمیم دهیم در حالی که آنان کاملا مخالف عادی‌سازی روابط هستند و من شخصا مخالفت کامل خود را با عادی‌سازی روابط مصر و اعراب با رژیم صهیونیستی ستمگر اعلام می‌کنم و اگر اسرائیل در فرایند صلح جدی است بایستی به طور عملی اقدام به صلح کند و نیز باید رهبران عرب و فلسطینی‌ها به صورت ید واحده برای محکوم کردن این رژیم گرد هم آیند اما ظاهرا بیشتر رهبران عرب در خوابی عمیق فرو رفته‌اند و نه به ملت‌های خود و به مسئله فلسطین اهمیت نمی‌دهند اما مصر در راه مسئله فلسطین از منابع خود و خون سربازانش بهای سنگینی پرداخته و همچنان می‌پردازد و در این راه ثابت قدم خواهد ماند.

*** دولت السیسی در مورد بحران سوریه مواضع نسبتا مناسب و خوبی دارد. اما از سوی دیگر با عربستان و برخی دیگر از کشورهایی که خواستار سقوط و حتی تجزیه سوریه هستند روابط خوبی دارد. این دو موضع متناقض چگونه تفسیر می‌شود؟**

سردبیران مطبوعات تصریح کرد که مصر کشوری است دارای روابط مستحکم با تمام کشورها و باید این‌گونه باشد.

*** اما دولت السیسی در حال تبدیل شدن به یکی از بزرگ‌ترین حامیان اسرائیل است و حتی مقامات اسرائیل وی را گنج استراتژیک اسرائیل خطاب کرده‌اند. به نظر شما این شأن مصر است که روزی به عنوان پرچمدار مبارزه با اسرائیل فعالیت می‌کرد و اکنون حامی این رژیم شده است؟**

مصر کشوری بزرگ و با عظمت و تاریخی و تأثیرگذار در تاریخ و سیاست و جغرافیاست. مصر یک کشور تازه تأسیس نیست بلکه دولتی بزرگ و باعظمت است که دشمنان بیش از دوستان روی آن حساب باز می‌کنند و برقراری روابط مصر و اسرائیل مبتنی بر قرارداد صلح بوده و برای هر دو طرف الزام‌آور است، هر چند از نظر من این قرارداد پس از جنایات اسرائیل در منطقه و فلسطین نیاز به بازنگری دارد. و السیسی وقتی دعوت به برقراری صلحی گرم با اسرائیل کرد آن را مشروط به این کرد که این صلح باید مبتنی بر عدالت و حق فلسطینی‌ها در برپائی دولت مستقل به پایتختی قدس شرقی بر طبق مرزهای ۱۹۶۷ باشد. او با این کار توپ را در زمین رهبران اسرائیل انداخت تا نیات آنان را در برابر جهانیان درخصوص برقراری صلحی فراگیر و دائمی و عادلانه در قبال مسئله فلسطین برملا کند و این چنین هم شد و درخواست سیسی برای صلح با اسرائیل دروغ بودن ادعاهای رهبران اسرائیل و خباثت‌آمیز بودن نیات آنان را آشکار ساخت به طوری که پس از این دعوت، اسرائیل همچنان به شهرک‌سازی و هتک حرمت مسجدالاقصی و حمله به شهروندان بی‌سلاح با موشک ادامه می‌دهد و این امر بیانگر این نکته است که رهبران اسرائیل طرفدار صلح نیستند و آن‌گونه که تورات توصیف می‌کند آنان رهبرانی گردن‌کلفت هستند و خطرناک‌تر از آن اینکه بنیامین نتانیاهو هستند، سیاست ارعاب و سرکوب شدید شیعیان را در پیش گرفته است. آنچه مسلم است استفاده از شیوه‌های خشن و سرکوب‌گرایانه نمی‌تواند در بلندمدت موفقیت‌آمیز باشد و برای سرکوب دینداران و

متهم کردن ایران به حمایت از تروریسم درحالی که در صف مقدم نبرد با تروریست‌ها قرار دارد به دور از عقل و منطق است.

فواید بسیار زیادی دارد و نیازمند اراده سیاسی دو طرف است، هرچند می‌دانم که رهبران ایران قصد بازگرداندن روابط را به‌گونه‌ای که به طور برابر به نفع دو کشور باشد دارند. این را سفیر «مجتبی امانی» رئیس دفتر حافظ منافع جمهوری اسلامی ایران در مصر در گفت‌وگوی من با او در سال ۲۰۱۱ تأکید کرد. وی در آن زمان اعلام کرد کشورهایی نمی‌خواهند رابطه دو کشور با فشار بر مصر و نه بر ایران، برقرار شود و من با او در این نظر هم عقیده‌ام. همچنین معتقدم برقراری مجدد روابط دو کشور به نفع مسائل محوری و اساسی منطقه از جمله مسئله فلسطین و حل کشمکش‌ها و جنگ‌های خانمانسوز مذهبی موجود در منطقه چه در سوریه یا عراق و یا یمن و غیر آن خواهد بود.

اضافه بر این برقراری روابط، منافع و فواید اقتصادی دو جانبه برای هر دو کشور خصوصاً در زمینه تجارت خدمات و حمل و نقل و همکاری علمی و نظامی و پزشکی دربر خواهد داشت که این امر موجب نگرانی دولت آمریکا و اسرائیل و عربستان می‌شود و من می‌خواهم عربستان را متوجه میزان خطرات جنگ مذهبی بکنم تا مراقب مردم خود و آینده سیاسی خود و موجودیت خودشان در حکومت باشند.

*** آیا احتمال می‌دهید نامه شما موثر باشد و در دیدگاه دولت السیسی تاثیرگذار باشد؟**

امیدواریم. رئیس‌جمهور سیسی پس از انتشار مقاله در جلسه‌ای با حضور

چکیده

*** ایران باید مبارزه خود با تروریسم و حمایت از وحدت در جهان اسلام را مرتباً از طریق رسانه‌ها در جهان عرب اعلام کند تا مانع سوءاستفاده دشمنان شود.**
*** اکثریت مصری‌ها مخالف تعصب و افراطی‌گری و عاشق اهل بیت پیامبر(ص) هستند.**
*** آمریکا با طراحی جنگ‌های مذهبی در منطقه، مانع بزرگ عادی‌سازی روابط ایران و مصر است.**
*** رئیس الازهر شیعه و سنی را دو بال امت اسلامی خوانده و در کنار یکی از مراجع تقلید شیعه نماز خواندند.**
*** بیشتر رهبران عرب در خوابی عمیق فرورفته و نه به ملت‌های خود و نه به فلسطین اهمیت نمی‌دهند.**
*** تاریخ از موضع افتخارآمیز ایران در حمایت از سوریه که همه قدرت‌ها برای شکست آن بسیج شده‌اند به نیکی یاد خواهد کرد.**
*** موضع ایران در حمایت از یمن و تلاش برای اتحاد و همبستگی این کشور مهم است و باید ادامه یابد.**
*** اگر موضع‌گیری و حمایت‌های ایران نبود، مسئله فلسطین در مسیر ناخوشایند دیگری قرار می‌گرفت.**
*** عربستان در باتلاق توطئه آمریکا و اسرائیل درمورد ایران هراسی گرفتار شده است.**
*** تأکید عربستان بر ایران‌هراسی می‌تواند باعث نابودی و حتی محاکمه آل‌سعود شود.**
*** تکفیر و دشمن معرفی کردن ایران با حمایت وهابی‌ها و صهیونیست‌ها است.**